

« به نام او ، به یاد او، برای او »

« دبیرستان : علامه حلی (۱) »

« قواعد درس پنجم (الجملة الفعلية و الاسمية) »

« تهبه و تنظيم : فدایی / دبیر دبیرستان حلی »

« جزوه درسی : پایه دهم »

« سال تحصیلی : ۹۶ - ۹۷ »

« قواعد درس پنجم » : « هذا خلق الله »

□□ جمله در زبان عربی به دو شکل دیده می‌شود : ۱- جمله فعلیه ۲- جمله اسمیه

(۱) **جمله فعلیه :**

باشد، « جمله فعلیه » گفته می‌شود.

(۱) **فعل :** کلمه‌ایست که انجام دادن کاری و یا روی دادن حالتی را در زمان مشخصی به ما نشان می‌دهد. (همانطور که گفته شد ؛ ماضی - مضارع - امر)

(۲) **فاعل :** کلمه‌ای که انجام دهنده و کننده‌ی کار است و برای یافتن آن در جمله باید از دو سوال « چه کسی ؟ » و « چه چیزی ؟ » استفاده شود.

★ جایگاه « فاعل » همواره بعد از فعل بوده (ممکن است بلافاصله بعد از فعل و ممکن با فاصله از فعل)

و علامت آن همواره « مرفوع » بادال ، بدون دال / « ان » در اسم مثنی / « ون » در جمع مذکر سالم) می‌باشد. مثال :

- يَذْهَبُ الطَّالِبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ . (الطَّالِبُ ؛ فاعل و مرفوع)
- لَا يَسْتَكْسَلُ التَّلْمِيذُ فِي قِرَاءَةِ دُرُوسِهِ . (التَّلْمِيذُ ؛ فاعل و مرفوع)

انواع فاعل در زبان عربی :

(۱) **اسم ظاهر :** به اسمی که همواره بعد از فعل، به عنوان انجام دهنده و کننده‌ی کار به صورت نمایان دیده می‌شود، فاعل از نوع « اسم ظاهر » گفته می‌شود.

که فقط در صیغ‌های ۱ و ۴ همه‌ی فعلها معمولاً فاعل از نوع « اسم ظاهر » می‌باشد.

(به هر اسمی به غیر از « ضمیر » [اسم‌های اشاره - اسم‌های عام و یا خاص - اسم‌های موصول و ...] . مثال :

- يَجْتَهِدُ عَلِيٌّ فِي دُرُوسِهِ : (عَلِيٌّ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر)
- يُدَافِعُ الْمُؤْمِنُ عَنِ وَطَنِ الْإِسْلَامِيِّ : (الْمُؤْمِنُ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر)

- ذَهَبَتْ هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ إِلَى الْبَيْتِ : (هَذِهِ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر)
- سَلَّمَ طَالِبٌ إِلَى مُعَلِّمِنَا : (طَالِبٌ ؛ فاعل از نوع اسم ظاهر)

(۲) **ضمیر بارز (آشکار) :** همان شناسه‌ها یا علامتهای موجود در فعلهاست که در صرف صیغه‌های افعال دیده می‌شود.

مثال :

ت	ت	ت	ت
ا	ا	ا	ا
و	و	و	و

الف) در فعل ماضی : به جز صیغه‌های « ۱ و ۴ » (للغائب و للغائبة) عبارتند از :

- أَيُّهَا الطَّالِبُ ! نَجِّحْتُمْ فِي إِمْتِحَانَاتِكُمْ : (فاعل : ضمیر بارز « تُم » در فعل « نَجِّحْتُمْ »)

- هُمْ عَبْدُوا اللَّهَ بِالْأَخْلَاصِ : (فاعل : ضمیر بارز « او » در فعل « عَبْدُوا »)

ب) در فعل « مضارع » و متعلقاتش (آنچه که از مضارع ساخته می‌شود) :

مثال :

ی	ی	ی	ی
ا	ا	ا	ا
و	و	و	و

به جز صیغه‌های « ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ » بقیه صیغه‌ها عبارتند از :

- الْمُسْلِمُونَ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَسْجِدِ : (فاعل : ضمیر بارز « او » در فعل « يَجْتَمِعُونَ »)

- الطَّالِبَاتُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ بِدِقَّةٍ : (فاعل : ضمیر بارز « نون » در فعل « يَكْتُبْنَ »)

(۳) **ضمیر مستتر (پنهان) :** فاعل در دو حالت از نوع مستتر است :

الف) صیغه‌های « ۱ و ۴ » در همه‌ی افعال (ماضی - مضارع و ...) ، به شرطی که فاعلشان اسم ظاهر نباشد، فاعل از نوع « ضمیر مستتر » خواهد بود. (جازز الإستار)

یعنی در صیغه‌ی « ۱ » همه‌ی فعلها ؛ « هُوَ مستتر » و در صیغه‌ی « ۴ » همه‌ی فعلها ؛ « هِيَ مستتر » می‌باشد.

ب) لازم به ذکر است که در این صیغه‌ها اولویت نوع فاعل با « اسم ظاهر » است. و در صورت عدم وجود فاعل از نوع اسم ظاهر، فاعل « مستتر » می‌باشد. مثال :

- الطَّالِبُ كَتَبَ (يَكْتُبُ) الدَّرْسَ : (فاعل : ضمیر مستتر « هُوَ »)
- الطَّالِبَةُ كَتَبَتْ (تَكْتُبُ) الدَّرْسَ : (فاعل : ضمیر مستتر « هِيَ »)

ب) در صیغه‌های « ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضارع و متعلقاتش » قطعاً فاعل از نوع « مستتر » می‌باشد. (واجب الإستار). مثال :

- أَيُّهَا الطَّالِبُ ! تَجْتَهِدُ فِي دُرُوسِكَ : (فاعل : ضمیر مستتر « أَنْتَ »)
- أَكْتُبُ دُرُوسِي فِي الْمَدْرَسَةِ : (فاعل : ضمیر مستتر « أَنَا »)

۴ اصل (۳) بسیار مهم در جمله فعلیه :

- ۱) هر فعل در زبان عربی فقط یک فاعل دارد و بس.
- ۲) جایگاه فاعل در جمله همواره بعد از فعل می‌باشد. (بدون فاصله از فعل یا با فاصله از آن)
- ۳) فعل باید از نظر « جنس » از فاعل خود تبعیت کند.
- ۴) در فعل‌های مجهول « نائب فاعل » برای فعل مجهول و در افعال ناقصه « اسم فعل ناقصه » برای فعل ناقصه دقیقاً در حکم « فاعل » برای فعل معلوم و تام می‌باشند و همه‌ی احکام و قواعد آن‌ها مانند فاعل می‌باشد. (اسم ظاهر و ضمیر بارز و ضمیر مستتر)

نکته ۱ : هرگاه فاعل جمله از نوع اسم ظاهر باشد، « فعل جمله » به صورت مفرد می‌آید که در این حالت فقط فعل جمله از نظر « جنس » با فاعل خود مطابقت دارد. [در ۶ صیغه غائب (ماضی و مضارع و متعلقاتش) اگر فاعل جمله از نوع « اسم ظاهر » باشد، فعل اول جمله باید مفرد بیاید.] مثال :

- اجْتَهَدَ الطَّالِبُ فِي دروسِهِ.
- اجْتَهَدَتِ الطَّالِبَةُ فِي دروسِهَا.
- اجْتَهَدَ الطَّالِبَانِ فِي دروسِهِمَا.
- اجْتَهَدَتِ الطَّالِبَتَانِ فِي دروسِهِمَا.
- اجْتَهَدَ الطَّالِبَاتُ فِي دروسِهِمْ.
- اجْتَهَدَتِ الطَّالِبَاتُ فِي دروسِهِنَّ.

۳) مفعول به : در جملاتی که فعل آنها متعدی است (گذراست) یک اسم منصوب ؛ (با « ال » بدون « ال » / « ین » در اسم منثی / « ین » در جمع مذکر سالم) که معمولاً بعد از فاعل می‌آید و انجام کار توسط فاعل بر روی آن واقع می‌شود.

- * لازم به ذکر است که یکی از راههای به دست آوردن مفعول به در جمله مطرح کردن دو سوال « چه کسی را ؟ » و « چه چیزی را ؟ » می‌باشد. مثال :
- كَتَبَ الطَّالِبُ التَّمَارِينَ فِي الْبَيْتِ : (التَّمَارِينَ : مفعول به و منصوب) ؛ چه چیزی را نوشت ؟ (تمارین را)
 - شَاهَدَ الْمُعَلِّمُ تَلَامِيذَهُ فِي الصَّفِّ : (تَلَامِيذَهُ : مفعول به و منصوب) ؛ چه کسانی را مشاهده کرد ؟ (دانش‌آموزان را)

انواع مفعول در زبان عربی :

- ۱) اسم ظاهر : به هر اسمی غیر از ضمیر مفعول به از نوع « اسم ظاهر » گفته می‌شود. (اسم اشاره - اسامی شرط - موصولات و ...) . مثال :
- يَغْفِرُ اللهُ جَمِيعَ الذُّنُوبِ : (جَمِيعَ : مفعول به و منصوب)
 - خَلَقَ اللهُ هَذِهِ الْمَخْلُوقَاتِ : (هَذِهِ : مفعول به و منصوب)

۲) ضمیر : عبارتند از :
 هُما هُما كُما كُما
 هُنَّ هُنَّ كُنَّ كُنَّ
 مثال :

- نَصَرَ كُمْ اللهُ : (ضمیر « كُمْ » ؛ مفعول به)
- يُسَاعِدُكَ وَالِدُكَ فِي الشَّدَائِدِ : (ضمیر « كَ » مفعول به)

نکته ۲ : ضمیر ؛
 در هر جای جمله بیابند، نقش « مفعول به » را دارند.

- إِيَّاهُ إِيَّاهَا إِيَّاكَ إِيَّاكَ
 - إِيَّاهُمَا إِيَّاهُمَا إِيَّاكُمَا إِيَّاكُمَا
 - إِيَّاهُنَّ إِيَّاهُنَّ إِيَّاكُنَّ إِيَّاكُنَّ
 - إِيَّاهُمْ إِيَّاهُنَّ إِيَّاكُمْ إِيَّاكُنَّ
- مثال :

- إِيَّاكَ نَعْبُدُ : (ضمیر « إِيَّاكَ » مفعول) : فقط تو را می‌پرستیم.
- إِيَّايَ فَاعْبُدُونِي : (ضمیر « إِيَّايَ » مفعول) : فقط من را بپرستید.

@Arabicfadaei / تلگرام

@Arabicfadaei / تلگرام

@Arabicfadaei / تلگرام

دانلود از اپلیکیشن یادرن

(۲) **جمله اسمیه :** به جمله ای که با هر نوع اسمی شروع شود (ضمیر - اسم اشاره - اسم استفهامی - شرط موصول و...) « **جمله اسمیه** » گفته می شود، که دارای دو رکن « مبتدا » و « خبر » می باشد.

(۱) **مبتدا :** اسمی است که غالباً شروع کننده ی جمله بوده و اعراب آن « مرفوع » **بِـ** / **بِـ** / **بِـ** « ان » در اسم مثنی / « ون » در جمع مذکر سالم (می باشد. با « ال ، بدون « ال »

و نیاز دارد در مورد آن توضیحی داده شود. در ضمن غالباً **معرفه** است (مبتدا می تواند یک اسم عام یا خاص یا ضمیر یا اسم اشاره و باشد). مثال :
 - الطَّالِبُ نَاجِحٌ : (الطَّالِبُ ؛ مبتدا) - هُوَ يُعَلِّمُ الدَّرْسَ : (هُوَ ؛ مبتدا) - هَذَا التَّلْمِيزُ فِي الْمَدْرَسَةِ : (هَذَا ؛ مبتدا)

(۲) **خبر :** کلمه یا عبارتی است که غالباً بعد از مبتدا می آید و در مورد مبتدا توضیح داده و در نهایت معنای جمله را کامل می کند و اعراب آن نیز « مرفوع » **بِـ** / **بِـ** / **بِـ** « ان » در اسم مثنی / « ون » در جمع مذکر سالم (می باشد. مثال :
 - کلمات و عبارت « نَاجِحٌ - يُعَلِّمُ - فِي الْمَدْرَسَةِ » در مثالهای بالا « خبر » محسوب می شوند.

انواع خبر در جمله اسمیه :

(۱) **خبر مفرد : یک تک اسم** است که معنای مبتدا و در نهایت جمله را کامل می کند. (این تک اسم می تواند ؛ مفرد - مثنی - جمع و مذکر و یا مؤنث باشد)
 - أَشْجَارُ الْحَدِيقَةِ **بَاسِقَةٌ** : (بَاسِقَةٌ ؛ خبر مفرد) - الْمَجَاهِدَةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ **مَحْمُودٌ** : (مَحْمُودٌ ؛ خبر مفرد) - هَذَا الْكِتَابُ **مُفِيدٌ** جَدًّا : (مُفِيدٌ ؛ خبر مفرد)
 (۲) **خبر از نوع جمله :**

الف) جمله فعلیه : اگر بعد از مبتدا **یک فعل به همراه فاعل** خود معنای فاعل را کامل کند، به مجموع آن فعل و فاعل، خبر از نوع « **جمله فعلیه** » گفته می شود.
 - التَّوَاضُعُ **يَرْفَعُ** قِيمَةَ الْإِنْسَانِ : (يَرْفَعُ ؛ خبر از نوع فعلیه) - الطَّالِبَانِ **نَجَحْتَا** فِي دَرُوسِهِمَا : (نَجَحْتَا) (خبر از نوع فعلیه)

ب) جمله اسمیه : اگر بعد از مبتدا **یک جمله به عنوان خبر** بیاید که خود دارای مبتدا و خبر باشد، به مجموع مبتدا و خبر **دوم** ، خبر از نوع « **جمله اسمیه** » گفته می شود. (در خبر از نوع اسمیه همواره یک ضمیری [بارز یا مستتر] وجود دارد که مرجع آن مبتدای اول می باشد). مثال :
 - الطَّالِبَةُ **قَلْبُهَا طَاهِرٌ** : (الطَّالِبَةُ ؛ مبتدا - قَلْبُهَا طَاهِرٌ ؛ خبر از نوع اسمیه (قَلْبُهَا + طَاهِرٌ ؛ مبتدا + خبر)
 - اللِّسَانُ **جَرْمُهُ صَغِيرٌ** : (اللِّسَانُ ؛ مبتدا - جَرْمُهُ صَغِيرٌ ؛ خبر از نوع اسمیه (جَرْمُهُ + صَغِيرٌ ؛ مبتدا + خبر)

(۳) **خبر از نوع شبه جمله :** هرگاه بعد از مبتدا یک ترکیب « **جار و مجرور** » یا یک « **ظرف زمان یا مکان** » (قید زمان یا مکان) قرار گیرد و معنای مبتدا را کامل کند، به آن ترکیب « **جار و مجرور** » « **شبه جمله** » گفته می شود. مثال :
 - الطَّالِبُ **فِي الْمَدْرَسَةِ** : (فِي الْمَدْرَسَةِ ؛ خبر از نوع شبه جمله) - الطَّائِرُ **فِي السَّمَاءِ** . (فِي السَّمَاءِ ؛ خبر از نوع شبه جمله)

□ **نکته ۳ :** لازم به ذکر است که اولویت آمدن خبر در جمله ی اسمیه ؛ ۱- مفرد ۲- جمله فعلیه ۳- جمله اسمیه ۴- شبه جمله می باشد.
 □ **نکته ۴ :** هرگاه خبر در جمله اسمیه از نوع **شبه جمله** باشد و مبتدا اسمی **نکره** باشد، **باید** خبر بر مبتدای خود مقدم خود شود، که در اینصورت به خبر « **خبر مقدم** » و به مبتدا « **مبتدای مؤخر** » می گویند.

اما اگر مبتدا اسمی **معرفه** باشد و خبر باز هم از نوع **شبه جمله**، می تواند مقدم شود و می تواند مقدم نشود. مثال :
 - فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ ✓ - طَالِبٌ فِي الْمَدْرَسَةِ * - الطَّالِبُ فِي الْمَدْرَسَةِ ✓ - فِي الْمَدْرَسَةِ الطَّالِبُ ✓

□ **نکته ۵ :** هرگاه جمله با یک ترکیب **جارو مجرور** شروع شود و بعد از آن یک **اسم نکره** (بدون ال و بدون مضاف الیه) بیاید، قطعاً خبر « **مقدم** » بوده و مبتدای جمله « **مؤخر** » است. ولی اگر مبتدا **معرفه** باشد باید به ادامه ی جمله دقت کنیم. در صورتی که ادامه ی جمله یک **اسم مرفوع** یا **جمله** (فعلیه - اسمیه) آمده باشد، اولویت برای تعیین خبر با این دو نوع می باشد. مثال :

Telegram: /@Arabicfadaei

Telegram: /@Arabicfadaei

- فِي الْمَكْتَبَةِ كِتَابٌ مُفِيدٌ : (فِي الْمَكْتَبَةِ ؛ خبر مقدم - كِتَابٌ ؛ مبتدای مؤخر)
 - فِي الْمَكْتَبَةِ الْكِتَابُ مُفِيدٌ : (الْكِتَابُ ؛ مبتدا - مُفِيدٌ ؛ خبر مفرد)

نکته ۶ □ : در جمله‌ی اسمیه یک مبتدا ممکن است چند خبر داشته باشد. مثال : اللهُ عَفْوَرٌ رَحِيمٌ : عَفْوَرٌ ؛ خیر ۱ - رَحِيمٌ ؛ خبر ۲)

نکته ۷ □ : هرگاه خبر جمله از نوع « مفرد » باشد، در صورتی که اسم بر وزن‌های « اسم فاعل و اسم مفعول » باشد باید در « جنس و تعداد » با مبتدای

خود مطابقت داشته باشد. ولی اگر بر وزن این اسامی نبود، لزومی به مطابقت وجود ندارد.

- الطَّالِبُ نَاجِحٌ : (تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)
- الطَّالِبَةُ نَاجِحَةٌ : (تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)

- الطَّالِبَانِ نَاجِحَانِ : (تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)
- الطَّالِبَتَانِ نَاجِحَتَانِ : (تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)

- الطَّلَابُ نَاجِحُونَ : (تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)
- الطَّالِبَاتُ نَاجِحَاتٌ : (تبعیتِ خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)

- الغیبَةُ حَرَامٌ : (خبر مفرد، جامد است)
- النَّبِيُّ رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ : (خبر مفرد، جامد است)
- الْعِلْمُ عِلْمَانٌ : (خبر مفرد، جامد است)

نکته ۸ □ : اگر در جمله‌ی اسمیه خبر از نوع « فعلیه » باشد، باید در صیغه (جنس و تعداد) از مبتدای خود تبعیت کند. مثال :

- الطَّالِبُ يَنْجِحُ (نَجَحَ) : (تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)
- الطَّالِبَةُ تَنْجِحُ (نَجَحَتْ) : (تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

- الطَّالِبَانِ يَنْجِحَانِ (نَجَحَا) : (تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)
- الطَّالِبَتَانِ تَنْجِحَانِ (نَجَحَتَا) : (تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

- الطَّلَابُ يَنْجِحُونَ (نَجَحُوا) : (تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)
- الطَّالِبَاتُ يَنْجِحْنَ (نَجَحْنَ) : (تبعیتِ خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

نکته ۹ □ : گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و فاعل و مفعول، بعد از خودشان ؛ صفت یا مضافُ الیه می‌گیرند، یعنی خودشان موصوف یا مضاف

واقع می‌شوند. مثال :

- صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ : (صُدُورٌ : مبتدا / الْأَحْرَارُ : مضافُ الیه - قُبُورٌ : خبر / الْأَسْرَارُ : مضافُ الیه)

- يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التَّفَّاحِ : (الْفَلَّاحُ : فاعل / الْمَجْدُ : صفت - أَشْجَارَ : مفعول / التَّفَّاحِ : مضافُ الیه)

@Arabicfadaei / تلگرام

محل یادداشت نکات

لغات و کلمات درس پنجم

- | | | |
|--------------------------------|---|--|
| ۴۳) إضافة إلى : افزون بر | ۲۲) عَوْضٌ : جبران کرد (يُعَوِّضُ / تَعْوِضُ) | ۱) أَدَارَ : چرخاند - اداره کرد (يُدِيرُ / إدارة) |
| ۴۴) السَّائِلُ : مایع - پرسنده | ۲۳) لَعِقَ : لیسید (يَلْعَقُ) | ۲) أَعُوذُ : پناه می‌برم |
| ۴۵) الذَّنْبُ : دُم | ۲۴) الحَطَبُ : هیزم | ۳) أفرَزَ : ترشح کرد (يُفِرِّزُ / إفراز) |
| ۴۶) صُدُورُ : سینه‌ها | ۲۵) البوم : جغد | ۴) أنشَدَ : سرود (يُنْشِدُ / إنشاد) |
| ۴۷) ضَوْءٌ : نور | ۲۶) اسْتَطَاعَ : توانست (يَسْتَطِيعُ / اسْتَطَاعَة) | ۵) اِبتَعَدَ : دور شد (مضارع : يَبْتَعِدُ / ابتعاد) |
| ۴۸) السَّكِينَةُ : آرامش | ۲۷) سَارَ : حرکت کرد (يَسِيرُ) | ۶) إِخْلَاصٌ : مخلص شدن - خالص کردن عمل |
| ۴۹) المُطَهَّرُ : پاک شده | ۲۸) بارَكَ اللهُ فیک : آفرین بر تو | ۷) اسْتَعَانَ : یاری جست (يَسْتَعِينُ / اسْتِعَانَة) |
| ۵۰) الظَّلامُ : تاریکی | ۲۹) إضَاعَةٌ : نابود کردن | ۸) اسْتَفَادَ : استفاده کرد (يَسْتَفِيدُ / استفادة) |
| ۵۱) إِتْجَاهٌ : جهت | ۳۰) الجُرْحُ : زخم | ۹) مَلَكَ : مالک بود - دارد - فرمانروایی کرد (يَمْلِكُ) |
| ۵۲) اليُسْرُ : آسانی | ۳۱) بَرَى : خشکی - صحرايي | ۱۰) اِحْتَوَى : در بر داشت - شامل شد (يَحْتَوِي / اِحْتِواء) |
| ۵۳) الفِضَّةُ : نقره | ۳۲) خِرَانَةٌ : انبار (جمع : خِرَانَات) | ۱۱) التَّامُّ : بهبود یافت (يَلْتَمُّ / التَّام) |
| ۵۴) القُبْحُ : زشتی | ۳۳) زَيْتٌ : روغن | ۱۲) نَسِيَ : فراموش کرد |
| ۵۵) المُضَىء : نورانی | ۳۴) الحِرْبَاءُ : آفتاب پرست | ۱۳) اِنْبَعَثَ : فرستاده شد (يَنْبَعِثُ / اِنْبِعَاث) |
| ۵۶) الوَقَايَةُ : پیشگیری | ۳۵) اِلْتِقَاطٌ صَوْرٍ : عکس گرفتن | ۱۴) تَأَثَّرَ : تحت تأثیر قرار گرفت (يَتَأَثَّرُ / تَأَثَّر) |
| ۵۷) اللِّسانُ : زبان | ۳۶) اِنَارَةٌ : نورانی کردن | ۱۵) سَبَّوْا : حرکت کنید |
| ۵۸) النَّوْمُ : خواب | ۳۷) نَطَمَعُ : طمع می‌ورزیم | ۱۶) تَحَرَّكَ : حرکت کرد (يَتَحَرَّكُ / تَحَرُّكٌ) |
| ۵۹) القَطِّعُ : گربه | ۳۸) حَتَّى : تا (حَتَّى تَبْتَعِدَ : تا دور شود) | ۱۷) حَرَّكَ : حرکت داد (يُحَرِّكُ / تحريك) |
| ۶۰) القَيْدُ : بند | ۳۹) الخَلْقُ : بسیار آفریننده | ۱۸) قَسَمَ : قسمت کرد |
| ۶۱) البَطُّ : اردک | ۴۰) دُونَ أَنْ : بدون آنکه | ۱۹) حَوَّلَ : تبدیل کرد (يُحَوِّلُ / تحویل) |
| | ۴۱) دُونَ أَنْ يَتَحَرَّكَ : بدون آنکه حرکت کند | ۲۰) دَلَّ : راهنمایی کرد (يَدُلُّ) |
| | ۴۲) البَكْتِيرِيَا : باکتری | ۲۱) أعشاب طيبة : گیاهان دارویی (عَشْبٌ طَيِّبٌ) |

کلمات مترادف درس پنجم

- | | | |
|---|---|---|
| ۳) الأجساد = الأقسام - الأبدان (بدن ها) | ۲) الأفضَّلُ = خَيْرٌ ؛ أَعْلَى (بهتر - برتر) | ۱) اسْتَطَاعَ = قَدِرَ (توانست) |
| ۶) الثَّمَرَةُ = الفاكهة (میوه - ثمر) | ۵) العُشْبُ = الثَّيَابُ (گیاه) | ۴) الكَلَامُ = القَوْلُ (سخن) |
| ۹) حَلْفٌ = وِرَاءُ (پشت) | ۸) مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءٌ (لطفاً) | ۷) التَّنْفَائِيَّةُ = الزُّبَالَةُ (زباله) |
| ۱۲) جَدَّ = اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) | ۱۱) طَلَّبَ = أَرَادَ (خواست) | ۱۰) المَرءُ = الإنسان (انسان - شخص) |
| ۱۵) قَذَفَ = رَمَى (انداخت) | ۱۴) الفُصَّةُ = الحُزْنُ (غم) | ۱۳) بَنَى = صَنَعَ (ساخت) |
| ۱۸) الغيمُ = السَّحَابَةُ (ابر) | ۱۷) خِلَالَ = بَيْنَ (در میان) | ۱۶) الينبوعُ = العَيْنُ (چشمه) |
| ۲۱) الحُجْرَةُ = العُرْفَةُ (اتاق) | ۲۰) الرَّائِعَةُ = الجَمِيلَةُ (جالب و زیبا) | ۱۹) حَوَّلَ = بَدَّلَ (تبدیل کرد) |
| ۲۴) المَخزَنُ = الخِرَانَةُ (انبار) | ۲۳) النَّجَاحُ = الفَوْزُ (موفقیت) | ۲۲) دَلَّ = هَدَى (راهنمایی کرد) |
| ۲۷) الضَّوْءُ = النُّورُ (نور) | ۲۶) المَاهِرُ = الحَاقِظُ (ماهر - استادکار) | ۲۵) السَّكُونُ = الهُدوءُ (آرامش) |

***** « کلمات متضادّ درس پنجم » *****

- | | | |
|---|---|--|
| (۳) السَّائِلُ ≠ الْجَامِدُ (مایع ≠ جامد) | (۲) السَّكُوتُ ≠ التَّكَلُّمُ (ساکت بودن ≠ سخن گفتن) | (۱) اِبْتَعَدَ ≠ اقْتَرَبَ (دور شد ≠ نزدیک شد) |
| (۶) السَّلْمُ ≠ الحَرْبُ (صلح ≠ جنگ) | (۵) الحَسَنَةُ ≠ السيِّئَةُ (نیکی ≠ بدی) | (۴) بَرِيٌّ ≠ مَائِيٌّ - بَحْرِيٌّ (خشکی ≠ آبی - دریایی) |
| (۹) النَّفْعُ ≠ الضَّرَرُ (سود ≠ ضرر) | (۸) الضِّيَاءُ ، الضَّوْءُ ≠ الظُّلَامُ (روشنایی، نور ≠ تاریکی) | (۷) الْجَمَالُ ، الحُسْنُ ≠ القُبْحُ (زیبایی ≠ زشتی) |
| (۱۲) المَدْحُ ≠ الذَّمُّ (ستایش ≠ سرزنش) | (۱۱) السُّؤَالُ ≠ الجَوَابُ (سؤال ≠ جواب) | (۱۰) الصِّدْقُ ≠ الكِذْبُ (راستگویی ≠ دروغگویی) |
| (۱۵) الفَرْحُ ≠ الحَزِينُ (شاد ≠ غمگین) | (۱۴) الفَارِغُ ≠ المَمْلُوءُ (خالی ≠ پر) | (۱۳) يَزْرَعُ ≠ يَحْصُدُ (می کارد ≠ برداشت می کند) |
| (۱۸) اِمَامٌ ≠ خَلْفٌ (روبرو، جلو ≠ پشت) | (۱۷) العُمقُ ≠ السَّطْحُ (ژرفا و عمق ≠ رو، سطح) | (۱۶) الإِحْسَانُ ≠ الإِسَاءَةُ (نیکی کردن ≠ بدی کردن) |
| (۲۱) أَغْلَقَ ≠ فَتَحَ (بست ≠ باز کرد) | (۲۰) تَعَيْشٌ ≠ تَمُوتُ (زندگی می کند ≠ می میرد) | (۱۹) الخَاصَّةُ ≠ العامَّةُ (مخصوص ≠ عمومی) |
| (۲۴) واقِفٌ ≠ جالِسٌ (ایستاده ≠ نشسته) | (۲۳) العداوَةُ ≠ الصداقةُ (دشمنی ≠ دوستی) | (۲۲) مَحْبُوبٌ ≠ مَنفُورٌ (دوست داشتنی ≠ نفرت انگیز) |
| (۲۷) الحُسْنُ ≠ القُبْحُ (زیبایی ≠ زشتی) | (۲۶) يَرْفَعُ ≠ يُنْزِلُ (بالایی برد ≠ پایین می آورد) | (۲۵) النَّشِيطُ ≠ الكَسَلُ (فعال ≠ تنبل) |
| (۳۰) هُنَا ≠ هُنَاكَ (اینجا ≠ اینجا) | (۲۹) يَكْذِبُ ≠ يَصْدُقُ (دروغ می گوید ≠ راست می گوید) | (۲۸) أَرَادِلٌ ≠ أَفْاضِلٌ (فرومایگان ≠ شایستگان) |
| (۳۳) الحَاضِرُ ≠ الغَائِبُ (حاضر ≠ غائب) | (۳۲) المَؤْمِنُونَ ≠ الكَافِرُونَ (مؤمنان ≠ کافران) | (۳۱) المُتَحَرِّكُ ≠ الثَّابِتُ (با حرکت ≠ بی حرکت) |

***** « جمع‌های مکسر درس پنجم » *****

- | | | |
|--|---|--|
| (۳) الأَحْزَابُ ← الحِزْبُ (گروه) | (۲) أَثْمَارٌ - ثِمَارٌ ← ثَمَرٌ (میوه) | (۱) أَبْرَارٌ ← بَرٌّ - بُرٌّ - بَارٌّ (نیکوکار) |
| (۶) الأَجْسَادُ ← الجَسَدُ (اندام - بدن) | (۵) الأَعْشَابُ ← العُشْبُ (علف - گیاه) | (۴) أَعْضَاءٌ ← عَضْوٌ (جزئی از بدن یا هر چیز دیگر) |
| (۹) الخَوَاصُّ ← الخَاصُّ (ویژه) | (۸) الأَوْلَادُ ← الوَلَدُ (فرزند) | (۷) أَذْكَيَاءٌ ← ذَكِيٌّ (باهوش) |
| (۱۲) الصُّدُورُ ← الصَّدْرُ (سینه) | (۱۱) الرُّسُلُ ← الرِّسُولُ (فرستاده - پیامبر) | (۱۰) أَنْصَارٌ ← نَاصِرٌ - نَصِيرٌ (یاور - یاری کننده) |
| (۱۵) الثَّلُوجُ ← التَّلَجُ (برف) | (۱۴) أَصْحَابٌ - صَحَابَةٌ ← صَاحِبٌ (یار - هم‌نشین - رفیق) | (۱۳) المَدُنُ ← المَدِينَةُ (شهر) |
| (۱۸) الذُّنُوبُ ← الذَّنْبُ (گناه) | (۱۷) المَصَابِيحُ ← المِصْبَاحُ - المِصْبَحُ (چراغ) | (۱۶) الأَوْقَاتُ ← الوَقْتُ (زمان) |
| (۲۱) الأَذْنَابُ ← الذَّنْبُ (دُم) | (۲۰) الأَسْمَاكُ ← السَّمَكُ (ماهی) | (۱۹) الخَزَائِنُ ← الخَزَائِنَةُ - الخَزِينَةُ (انبار) |
| (۲۴) أَلْوَانٌ ← لَوْنٌ (رنگ) | (۲۳) الجِبَالُ ← الجَبَلُ (کوه) | (۲۲) الزُّيُوتُ ← الزَّيْتُ (روغن) |
| (۲۷) الزُّوَارُ ← الزَّائِرُ (زیارت کننده) | (۲۶) العَمَالُ ← العاملُ (کارگر) | (۲۵) الأَمْرَاضُ ← المَرَضُ (بیماری) |
| (۳۰) الأَحْيَاءُ ← الحَيٌّ (زنده) | (۲۹) الأَحْرَارُ ← الحُرُّ (آزاده) | (۲۸) الأَمَاكِنُ ← المَكَانُ (جا) |
| (۳۳) القُصُورُ ← القَصْرُ (کاخ - قصر) | (۳۲) الأَمْثَالُ ← المَثَلُ (مثال) | (۳۱) الصُّوَرُ ← الصُّورَةُ (تصویر) |
| (۳۶) الكِلَابُ ← الكَلْبُ (سگ) | (۳۵) الشُّعْرَاءُ ← الشَّاعِرُ (شاعر) | (۳۴) العُيُونُ ← العَيْنُ (چشم - چشمه) |
| | (۳۸) الأَخْبَارُ ← الخَبَرُ (خبر) | (۳۷) الأَضْوَاءُ ← الضَّوْءُ (نور) |

@Arabicfadaei / تلگرام

محل یادداشت نکات